

## بررسی دلیل قرآنی در اثبات حلول ماه بر اساس رویت هلال با تکیه بر فقه مقارن

□ سید حسین خادمیان نوش آبادی \*

### چکیده

فقه به همان مقدار که معمار تعبد و معنویت است، بستر تدبیر و سامان دادن به زندگانی مادی انسان نیز می باشد .

قطعا با التفات به هدف غایی اصول دین، مکلف متوجه وجود یک دستور الهی در افعال زندگی خود می شود .

قرآن به عنوان اصلی ترین منبع شناخت احکام، منبع مهمی است که فهم و استخراج احکام از آن باید مورد مذاقه و تدبر قرار گیرد و مساله اثبات حلول ماه حجیت رویت هلال از طریق رویت با استناد به قرآن کریم یکی از این فروع مهم فقهی می باشد.

پژوهش پیش رو با هدف امکان اثبات رویت هلال در حلول ماه از آیات قرآن کریم به بررسی آیات و نظرات مفسرین و فقها با تکیه بر فقه مقارن و بهره مندی از روش تحلیل و توصیفی آیات و داده های تفسیری و فقهی مطرح در این خصوص به این نتیجه می رسد که قرآن برای فهم طریقت رویت هلال در حلول ماه از نگاه فقه مقارن (فقه تمام مذاهب) قابلیت استناد را دارد.

کلیدواژه ها: آیات الاحکام، رویت هلال، حلول ماه، فقه مقارن، روزه، حج.

## مقدمه

یکی از نشانه‌های جامعیت دین مبین اسلام این است که مکلف (فعلی و شانی - مجتهد و مقلد) در هر زمان و مکانی باید متوجه به وظیفه‌ای باشد که به آن مامور شده است و در اصطلاح به این توجه، درک و انجام حکم شرعی می‌گویند و این التفات منتهی به درک یکی از اقسام وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه خواهد شد.

برای درک حکم شرعی راه‌های مختلفی از سوی شارع وضع شده است و ما مکلف هستیم از همان طرق به فهم احکام برسیم.

آن چه یقینی است قرآن رکن رکین فهم احکام است که در ذیل آن سنت، عقل و اجماع نیز قابل استناد است.

از میان عبادات، انجام برخی از آنان معطوف به زمان خاص و احراز حلول آن زمان می‌باشد که و به تعبیر برخی فقهاء رویت هلال ماه اصلی از اصول دین (شریعت) است (حلی، ۱۳۸۷، ج ۹: ۲۲۲).

مانند روزه ماه رمضان، مناسک حج و ... که طبق دستور شارع مقدس در ماه‌های خاصی محقق می‌شود.

بی‌شک یکی از راه‌های اثبات حلول ماه نو، رویت هلال ماه جدید می‌تواند باشد که می‌توان ثبوت آن از طریق قرآن نیز ثابت کرد.

این پژوهش صرفاً با کاوش در آیات الاحکام مربوطه به بررسی طریقت رویت هلال در ثبوت حلول ماه پرداخته و نظرات مفسرین و فقهای مذاهب را نقل و نظر منتخب را بیان می‌دارد.

اهمیت این پژوهش و تفاوت آن با سایر پژوهش‌های مورد مطالعه نویسنده، در این است که این مقاله، منحصر در پی اثبات حجیت رویت هلال ماه در حلول ماه از طریق آیات قرآن بوده و عدم وجود این استناد (دلیل قرآنی) در برخی متون فقهی را بلا وجه و موجب نقص آن‌ها می‌داند.

## مفاهیم

در این بخش به تعریف و توضیح واژگان پر بسامد این پژوهش می‌پردازیم

### هلال

مرحوم سید علی خان کبیر برای واژه هلال را اسم مشترک دانسته و برای آن بیش از ۲۰ معنا ذکر نموده است مانند: قمر، الماء فی اسفل الحوض، السنان او الحربة العریضة، الحیة، الغلام الجمیل، هلال السماء؛ ماه، آب در ته حوض، نیزه یا سرنیزه پهن، مار، نوجوان زیبا رو، هلال ماه در آسمان و ... (ابن معصوم مدنی، ۱۴۳۲ق، ج: ۱، ۱۶۸).

ابوالفتوح رازی می‌نویسد: دو شب اول ماه و بعضی تا شب هفتم ماه را هلال و بعد از آن را، قمر و شب‌های ۱۳ و ۱۴ را بدر و قرص ماه را هاله می‌گویند و اهله جمع هلال و اصل آن از اهلال است و معنای آن صدا را بلند کردن است. زیرا مردم هنگام حلول ماه تکبیر و حمد و ... می‌گویند. (ابوالفتوح رازی؛ ۱۴۰۰، ج: ۳، ۶۴) همچنین به معنای استهل الصبی، یعنی کودک هنگام ولادت با صدای بلند گریه کرد یا صدای بلند تلبیه، هنگام حج را نیز گویند (طبرسی، ۱۴۱۲، ج: ۲، ۲۸۳)

از میان معانی مختلف هلال، مقصود ما در این پژوهش از هلال، حلول ماه به معنای عرفی آن می‌باشد.

### رویت

منظور از رویت، یعنی هلال ماه به درجه و حدی برسد که قابل دیدن باشد یعنی هلال ماه در وضعیتی باشد که در صورت عدم وجود مانع با استهلال مسلمین، مشاهده یا قابلیت و امکان مشاهده داشته باشد.

### آیات الاحکام

واضح است در قرآن به عنوان اصلی ترین منبع در همه ابعاد و اضلاع معرفتی می‌باشد. در قرآن آیاتی بیان شده است که منبع اصلی احکام فقهی و مورد التفات فقهای مذاهب جهت

استنباط و استظهار احکام فقهی می‌باشد.

بنابراین آیاتی که می‌توان از آن احکام فقهی را استنباط نمود به عنوان آیات الاحکام معروف شده‌اند.

در خصوص تعداد آیات الاحکام اختلاف است. جمعی آیات الاحکام را تحدیدی دانسته و تعداد آن را در قرآن بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ آیه ذکر کرده‌اند.

اما برخی آیات الاحکام را توسیعی دانسته و برای آن عدد معلومی قائل نیستند، بلکه هر آیه‌ای را که بتوان از آن احکام فقهی را استخراج و استنباط نمود، آیات الاحکام می‌دانند. (موسوعة اصول الفقه المقارن، ۱۴۳۰، ج: ۱، ۱۲۳) در این تحقیق مقصود ما از آیات الاحکام، توسیعی است.

### طریقیت

مفهوم طریقیت در این پژوهش این است که ثبوت حلول ما منحصر در رویت هلال نیست بلکه از راه‌های دیگر هم می‌توان به این مهم دست یافت ولی یکی از طرق ثبوت حلول ماه رویت هلال می‌باشد.

### اهمیت رویت هلال در میان مسلمین

بدیهی است، انجام واجبات عبادی و ... برای یک مسلمان اهمیت ویژه‌ای دارد و لذا از وظایف یک فرد مسلمان است که صحت انجام وظایف عبادی خود را در تمام ابعاد شناسایی نماید.

مسأله رویت هلال مخصوصاً در ماه رمضان و شوال و ذی الحجه یک جایگاه ویژه‌ای دارد که، حساسیت بر آن گاهی سبب وقوع حوادث عجیبی و واکنش‌های خاصی از سوی مسلمانان شده است.

نقل است: سعید بن عاص در زمان عثمان والی کوفه بود، در یکی روزی امارت خود در کوفه و در پایان ماه رمضان به مردم گفت: کدام یک از شما هلال را دیده‌اید؟ مردم گفتند: ما ندیدیم؛ ولی هاشم بن عتبة بن ابی وقاص که در جنگ یرموک یک چشم خود را از دست داده بود، گفت: من هلال را دیده‌ام. سعید بن عاص به وی گفت با یک چشم بینا تنها تو از بین

مردم ماه را دیدی! هاشم به سعید گفت: مرا برای چشمم سرزنش میکنی با اینکه چشمم در راه خدا چنین شده است! بعد از این ماجرا فردا صبح هاشم در منزلش افطار کرد و عید گرفت و مردم نیز نزد او غذا خوردند. این خبر به گوش سعید بن عاص رسید. او بلا فاصله کسی را به دنبال هاشم فرستاد و او را کتک، و خانه اش را آتش زد.

پس از این ماجرا أم الحکم دختر عتبه بن وقاص - که از زنان مهاجر بود - و نافع بن ابی وقاص از کوفه به مدینه آمدند و ماجرا را برای سعد بن ابی وقاص بازگو کردند. سعد نزد عثمان آمد و قضیه را به وی گفت. عثمان گفت: سعید در برابر هاشم در اختیار شماست، او را به تلافی کتک زدن به، هاشم بزنید. خانه سعید هم در برابر خانه هاشم از آن شماست، به تلافی آتش زدن خانه هاشم آن را به آتش بکشید در این هنگام، عمر بن سعد بن ابی وقاص (فرمانده لشکر یزید در کربلا) که در آن زمان نوجوان بود به خانه سعید در مدینه آمد و آتشی در آن روشن و شعله ور نمود. خبر به عایشه رسید و عایشه در پی سعد بن ابی وقاص فرستاد و از او خواست دست نگه دارد. و او دست نگه داشت. (ابن سعد، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۱۷)

این واقعه خبر از اهمیت مساله رویت هلال ماه نزد مسلمین از طریق رویت می دهد، زیرا والی کوفه نقص در چشم را از موانع رویت می دانسته نه این که منکر رویت باشد و هاشم بن عتبه نیز بر اساس رویت خود اقدام به افطار نموده است و رویت را حجت شرعی برای افطار در روز اول شوال دانسته است.

نقل دیگر در جریان حساسیت در مساله عمل به رویت هلال در قضیه ای است که حکام سعودی از مرحوم آیت الله سید محسن حکیم رضوان الله علیه، برای انجام مناسک حج دعوت کردند.

مرحوم حکیم قبول دعوت را منوط به پذیرش سه شرط به قرار ذیل اعلام فرمودند:

۱. داشتن یک محراب مخصوص شیعیان امامیه در بیت الحرام

۲. تجدید بنای مقابر ائمه بقیع علیهم السلام

۳. حق اظهار رای و عمل به رویت هلال

حکام سعودی با دو شرط اول موافقت نمودند ولی شرط سوم را نپذیرفتند و مرحوم حکیم

نیز دعوت آنان را نپذیرفت و به سفر حج مشرف نشدند. (آل احمد، ۱۳۸۲: ۱۰۰)

این حکایت نیز، خبر از جایگاه و اهمیت رویت هلال در انجام مناسک حج در مذاهب فقهی اسلامی می‌دهد که چقدر نسبت به آن حساس و مقید هستند.

## آیات رویت هلال

با تدبر در قرآن کریم می‌توان به ۷ آیه ذیل جهت رویت هلال ماه اشاره نمود و آیات ذیل مورد بررسی قرار گیرد:

۱. شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ماه رمضان ماهی است که در آن، قرآن برای راهنمایی مردم فرستاده شده است و قرآن نشانه‌هایی روشن برای هدایت دارد و معیار تشخیص حق از باطل است. پس، هر کدامتان که وارد این ماه شدید، باید آن را روزه بگیرید؛ ولی آن‌هایی که مریض یا در سفرند، روزهای دیگری را به‌جایش روزه بگیرند تا یک ماه کامل شود. خدا راحتی‌تان را می‌خواهد. سختی‌تان را که نمی‌خواهد! بله، خدا توفیق روزه‌گرفتن به شما داد تا برای اینگونه هدایت‌هایش، به بزرگی یادش کنید و شکرش را به‌جا آورید. (بقره: ۱۸۵)

۲. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

از تو درباره‌ی (فایده‌ی) شکل‌های گوناگون هلال (ماه) می‌پرسند. بگو: «آن، وسیله‌ی تعیین اوقات (کارهای مادی و معنوی) مردم و (به‌ویژه امر) حج است (که زمان آن مشخص است و نباید آن را تغییر داد)»؛ و نیکی آن نیست که (مانند مشرکان جاهل در موسم حج) از پشت (دیوار به) خانه‌ها وارد شوید؛ بلکه نیکی، (عمل) کسی است که خود را (از خشم خدا) حفظ کند. از در خانه‌ها وارد آن شوید، و خود

را از (خشم) خدا در امان نگه دارید؛ باشد که به خواسته (های دنیا و آخرت) خود دست یابید (بقره: ۱۸۹).

### ۳. فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

هم‌او شکافنده شب است برای بیرون کشیدن سپیده دم و شب را مایه آرامش کرده و خورشید و ماه را معیاری برای محاسبه زمان. این است اندازه گیری آن شکست ناپذیر دانا. (انعام: ۹۶)

### ۴. إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

تعداد ماه‌های سال قمری از نظر خدا، در نظام آفرینش و از روزی که خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید، دوازده ماه است که چهار ماه آن یعنی رجب، ذی قعدة، ذی حجه و محرم ماه‌های حرام به‌شمار می‌آید. این یکی از برنامه‌های استواری است که ضامن خوشبختی است. پس با جنگ و خون‌ریزی در ماه‌های حرام، به خودتان بد نکنید. با همه بت پرست‌ها بجنگید؛ همان‌طور که آن‌ها با همه شما می‌جنگند. البته زیاده روی نکنید و بدانید خدا در کنار خودمراقبان است. (توبه: ۳۶)

### ۵. إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِّيُؤَاطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

با جابه جاکردن ماه‌های حرام، بی‌دینی بیشتر شد؛ طوری که با آن، بت پرست‌ها به گمراهی کشیده شدند: یک سال، ماه حرام را حلال می‌کردند و به جایش ماه حلال را حرام، تا بتوانند در ماه‌های حرام، قتل و غارت کنند؛ البته سال دیگر، ماه‌های حرام و حلال را سر جای اصلی‌اش برمی گردانند تا به خیال خودشان، تعداد چهار ماهی را که خدا حرام کرده است کم و زیاد نکرده باشند! \* کارهای زشت بت پرست‌ها در نظرشان رنگ و لعاب داده شده بود. خدا دست جماعت

بت پرست را نمی‌گیرد. (توبه: ۳۷)

۶. هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

اوست که خورشید را درخشان و ماه را تابان کرده است و ماه را به شکل‌های مختلفی درآورده تا شمارش سال‌ها و حساب و کتاب کارها را بدانید. خدا این‌ها را فقط بر اساس حکمت آفریده است. او نشانه‌هایش را برای مردم خوش‌فهم بیان می‌کند. (یونس: ۱۰)

۷. وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا

شب و روز را دو نشانه قدرت خودمان قرار دادیم: شب را می‌بریم و روز را روشن می‌کنیم تا در پرتو روز، دنبال رِق و روزی خدا بیفتید و با این شب و روز شدن، گذر ایام و برنامه‌ریزی زندگی دستتان بیاید. بله، هر چیزی را کاملاً شفاف و بی‌نقص آفریدیم. (اسراء: ۱۲)

در این پژوهش ما به دو آیه بسنده می‌کنیم زیرا در خصوص آیات دیگر سخن عینا همان است که در این آیات بیان می‌شود.

## بررسی آیه اول

۱. شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ماه رمضان؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در مقام شهود باشد، روزه بدارد! و آن کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد! خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را! هدف

این است که این روزها را تکمیل کنید؛ و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ

بشمرد؛ باشد که شکرگزاری کنید!

درباره مفاهیم مرتبط با موضوع ما در این آیه باید گفت:

در خصوص کلمه شهود دو احتمال بیان شده است:

الف: شهود به معنای حضور ب: شهود به معنای علم و مشاهده نیز، استعمال می‌شود؛

مانند شهدت عصر فلان و ادركت زمان فلان.

اگر شهود را به معنای حضور بگیریم معنای آیه این است:

کسی که مقیم باشد و ماه رمضان را درک کند و عذری نداشته باشد باید روزه بگیرد .

اما اگر کلمه شهد را به معنای مشاهده بگیریم، معنای آیه این است: کسی که هلال ماه نو

را رویت نماید و عذری نداشته باشد و از طریق رویت به حلول ماه رمضان علم پیدا کند، باید

روزه بگیرد .

#### تحلیل:

روشن است اگر شهود به معنای حضور استعمال شود، مستلزم اضرار و تخصیص

می‌شود. زیرا هم باید لفظ بلد را در تقدیر گرفت (و اصل عدم تقدیر است) و هم افرادی مانند

صبی، مریض، مسافر، شیخ و شیخه، حائض، زن باردار و شیرده و ... را استثنا کرد و به نوعی

تخصیص اکثر لازم می‌آید که قبیح و خلاف فصاحت و بلاغت است و همچنین با سیاق آیه

نیز تناسب ندارد زیرا سخن از ایسار و عدم اعسار است که اگر ما معنای حضور را لحاظ کنیم

یعنی عبادات موجب عسر و حرج است؛ در حالی که اسلام دین سمحه است و عبادات عسر

و حرج نیست و الا باید اکثر عبادات بلکه تمام عبادات را تعطیل نمود و ... لذا شهد را به

معنای حضور گرفتن موجب مشکلات فوق می‌شود. (قربانی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۱۶۹).

اما اگر شهد را در آیه فوق به معنای مشاهده و رویت بگیریم دیگر اشکالات مطرح شده

پیش نمی‌آید.

شیخ طوسی در اثبات طریقت رویت هلال بر ثبوت حلول بر اساس آیه فوق اشاره

می‌نویسد:

در پاسخ به ادعای برخی که به استناد ذیل آیه وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ؛ ادعا می‌کنند: ماه رمضان ۳۰ روز است و ناقص نیست و لذا رویت طریقتی ندارد. باید گفت:

اولاً: معنای اکمال اعم از اتمام و نقصان ماه است و ظهور در ۳۰ روز بودن ماه ندارد.

ثانیاً: این اکمال به مساله قضاء بر می‌گردد زیرا در ادامه بیان سفر و بیماری آمده است (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۱۲۸)

همچنین مرحوم طبرسی در پاسخ این ادعا می‌نویسد:

اولاً: همانا مراد از اکمال، اتمام دوره صیام است که بر مکلف واجب شده است که منظور از این می‌تواند هم ۲۹ روز باشد و هم ۳۰ روز و انحصاری در ۳۰ روز ندارد.

ثانیاً: احتمال دیگر این که می‌تواند مقصود از اکمال مساله قضای روزه باشد که نقصان روزه‌هایی را که فوت شده است بجا آورد و آن دوره را کامل نماید. (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۲۷۷)

قطب راوندی در این باره می‌نویسد:

فاللهلال علامة الشهر و به وجبت العبادۃ فی الصیام و الافطار و الحج و سائر ما يتعلق بالشهر علی اهل الشرع و ربما خفی لعارض او استبین اهل مصر لعله و ظهر لاهل غیر ذلک المصر. (راوندی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۳۱۳) هلال علامت ماه است و با آن عبادت در روزه و افطار (شوال) و حج و هر آنچه مربوط به ماه‌ها بر اهل شریعت واجب است و ممکن برای برخی در شهری پنهان و برای جمعی از شهر دیگر قابل رویت باشد.

مرحوم سبزواری در تفسیر این آیه می‌نویسد:

ان المناط هو ثبوت الشهر و حضوره حقيقة و ذلک بروية الهلال او تقدیرا فیما اذا لم یمكن ذلک. (سبزواری، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۳۱) همانا معیار تأیید ماه و حضور آن در واقعیت است و آن به سبب رؤیت ماه نو یا محاسبه در صورت عدم امکان رویت محقق می‌شود.

مؤلف کنز العرفان می‌نویسد:

و قیل مفعول لشهد اخذا من المشاهدة ای المعاينة و فيه نظر فان المسافرين و المریض یشاهدان و لا یصومان و اجیب بانهما خصا بالذكر. نعم یرد الحائض و

شبهها و یجاب بانه عام خص بمنفصل. (فاضل مقداد سیوری؛ ۱۴۳۱ق، ج: ۱؛ ۲۱۲)

بعضی گفته اند شهر مفعول برای شاهد است که به معنای مشاهده و دیدن است و مفهوم آن یعنی: کسی که ماه را ببیند، باید روزه بگیرد و در این نظر اشکال شده است که مسافر و مریض نیز ماه را می بیند ولی روزه بر او واجب نیست. پاسخ این است که مسافر و مریض در آیات قبل تخصیص خورده و استثنا شده اند و البته اشکال دیگری که طرح کرده اند زن حائض و نفساء و مانند آن نیز ماه را می بیند ولی روزه بر او واجب نیست. جواب این اشکال هم این است که عموم آیه با احادیث صحیحیه این ها را هم تخصیص زده است و حائض و مانند آن از زمره روزه داران استثناء شده اند.

مولف مصباح الهدی می نویسد:

ماه با رؤیت هلال بدون هیچ شک و شبهه ای اثبات می شود و در این خصوص بین ما اختلافی نیست و آیه قرآن، مبنی بر این است که مقصود از شاهد و شهود، مشاهده ماه و حضور در وطن است و شکی نیست که این مهم با رویت هلال محقق می گردد.؛ ثبت الشهر برویی الهلال من غیر اشکال و لا خلتاف بیننا... فی قوله تعالى فمن شهد منكم الشهر فليصمه بناء على ان يكون المراد به مشاهدة الشهر وحضوره ولا ريب انه بروية الهلال يشاهد الشهر والنصوص بثبوتة بالروية كثيرة بل متواترة (آملی، ۱۴۳۲ق، ج: ۸؛ ۳۶۱)

در مستند الشیعه علم به دخول ماه رمضان را از راه هایی ثابت می داند که اولین آن را رویت هلال بیان می کند و یکی از مستندات آن را کتاب الله دانسته که منظور از آن آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره بیان شده است (نراقی، ۱۴۲۹، ج: ۱۰؛ ۳۹۳)

قرطبی از مفسرین اهل سنت می نویسد:

فرض الله صيام شهر رمضان ای مدة هلاله و به سمی الشهر و فرض علينا عند غمة الهلال عدة شعبان ثلاثين يوما و اكمال عدة رمضان ثلاثين يوما حتى تدخل فی العبادة بيقين و نخرج منها بيقين (قرطبی، ۱۴۱۶ق، ج: ۲، ص: ۲۹۳) خداوند روزه ماه رمضان یعنی مدت هلالش را بر ما واجب کرد و با آن ماه نامگذاری شد و در هلال ماه شعبان سی روز و تمام شدن عدد را بر ما قرار داد. سی روز ماه رمضان تا

با یقین وارد عبادت شوید و با یقین از آن خارج شوید.

ابن عربی مالکی از علمای اهل سنت هم چنین نظر می‌دهد:

قوله تعالى: شهر رمضان یعنی هلال رمضان ففرض علينا الصوم عند رؤية الهلال وقوله تعالى: فمن شهد منكم الشهر فليصمه محمول على العادة بمشاهدة الشهر و هي رؤية الهلال (ابن عربی، بی تا، ج: ۱، ۸۲)

فرموده خدای متعال این است: ماه رمضان؛ به معنای هلال ماه رمضان است، پس هنگام رؤیت هلال ماه روزه بر ما واجب است و خداوند متعال می‌فرماید: هر که از شما شاهد ماه باشد، پس روزه بگیرد، عرفاً و عادتاً حمل بر مشاهده هلال ماه می‌شود.

آلوسی از دیگر مفسرین اهل سنت می‌نویسد:

شهد من الشهور و التركيب يدل على الحضور و بحذف المضاف اي هلال الشهر و المعنى: من علم هلال الشهر و يقين به فليصم و مفاد الآية على هذا عدم وجوب الصوم على من شك في الهلال. (آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج: ۲، ۶۱) شهد از شهور است (حاضر بودن) و ترکیب آیه دلالت بر حضور دارد و با حذف مضاف یعنی هلال ماه؛ معنای آیه این است: هر کس علم به ماه نو و به آن یقین پیدا کرد، پس روزه بگیرد و مفاد آیه دلالت بر عدم وجوب روزه در هنگام شک در حلول هلال ماه دارد.

فخر رازی از مفسرین اهل سنت ضمن بیان یک اشکال ادبی برای تفسیر و معنای صحیح

آیه می‌نویسد:

فیصير تقديره من شهد جزءاً من اجزاء الشهر فليصم كل الشهر فعلى هذا: من شهد هلال رمضان فقد شهد جزءاً من اجزاء الشهر وقد تحقق الشرط فيترتب عليه الجزاء و هو الامر بصوم كل شهر و اذا رای انسان هلال رمضان فاما ان يكون منفرداً بتلك الروية او لا يكون ... (فخر رازی، ۱۳۷۹، حلبی، ج: ۵، ۲۱۶۲) پس تقدیر آیه چنین می‌شود: کسی که قسمتی از ماه را دیده، پس تمام ماه را روزه بگیرد، و بر این مینا: هر کس که هلال ماه رمضان را ببیند، قسمتی از ماه را دیده و شرط تحقق یافته است و جزای شرط محقق شده و بر جواب شرط امر به روزه تمام ماه مترتب می‌شود یعنی وقتی انسان هلال ماه رمضان را ببیند چه انفرادی چه با دیگران روزه ماه رمضان بر او واجب می‌گردد....

جصاص از دیگر علمای اهل سنت ضمن این که بیان می‌کند اصل در اثبات ماه نو، رویت هلال است و اگر امکان رویت نبود باید از طرق دیگر مانند شمارش روزها اقدام نمود می‌نویسد:

اصل فی اعتبار الشهر ثلاثین ثلاثین الا ان یری قبل ذلک الهلال فان کل شهر غم علينا هلاله فعلینا ان نعه ثلاثین هذا فی سائر الشهور التي يتعلّق بها الاحکام و انما یصیر الی اقل من ثلاثین برویة الهلال. (ابو بکر الجصاص، بی تا، ج: ۱، ۲۵۰)

مؤلف تفسیر المنار از دیگر مفسرین اهل سنت در ذیل این آیه می‌نویسد:

و شهوده فیها یكون برویة هلاله فعلى کل من رآه او ثبتت عنده روىة غیره له ان یصوم؛ و مقصود از شهود آن رویت هلالش است، پس هر کس آن را ببیند یا غیر از آن رویت ثابت داشته باشد، باید روزه بگیرد. (رشید رضا، بی تا، ج: ۲، ۱۶۳)

ابن سعود کاشانی با استناد به این آیه می‌نویسد:

و هو بیان ما یعرف به وقته فان كانت السماء مصیحة یعرف برویة الهلال؛ این آیه بیان گر این مفهوم است که در زمانی که آسمان صاف باشد و ابری و غبارآلود نباشد؛ حلول ماه با رویت ثابل اثبات است (کاسانی، ۱۴۳۱، ج: ۲، ۲۲۰)

مؤلف الاستذکار نیز با استناد به این آیه می‌نویسد:

من علم منکم بدخول الشهر علم یقین فلیصمه و العلم یقین: الرویة الصحیحة الفاشیة الظاهرة او اکمال العدد؛ هر کس از شما حلول ماه را با علم یقین بداند، روزه بگیرد و علم به یقین: با رویت صحیح، شیوع آشکاریا تکمیل عدد روزهای ماه حاصل می‌گردد. (ابن عبد البر، ۱۴۳۳، ج: ۳، ۱۳۷)

با دقت در مطالب فوق استدلال به این آیه چنین است که با ورود به ماه رمضان و خروج از آن مامور به وجوب روزه ماه رمضان و ترک روزه روز اول ماه شوال هستیم و این مهم باید به طور یقینی محقق شود.

یکی از راه‌های تحصیل این یقین با رویت هلال ماه رمضان و شوال حاصل می‌گردد و صرف لحاظ نمودن شمارش روزهای ماه قطعاً موجب یقین نمی‌شود. زیرا آیه از یک طرف دلالتی بر قطعیت انحصار ماه‌ها و خصوصاً ماه رمضان در ۳۰ روز نداریم و از طرف دیگر

حلول ماه را زمان وجوب و حرمت معرفی می‌نماید و لذا می‌توان به واسطه رویت هلال ماه جدید حلول آن را یقین نمود تا بتوان به امری که در آیه بدان مامور شده ایم عمل نماییم.  
به بیان دیگر:

شهادت را باید به معنای رویت استعمال نمود زیرا: وجوب صوم باید ثابت شود و این وجوب به حلول ماه بستگی دارد و اثبات حلول ماه، به حضور و ابستگی ندارد، و هر حضوری وجوب روزه بر مکلف را نمی‌رساند، اما با رویت حلول ماه ثابت می‌شود و این اثبات از هر طریقی باشد به رویت بر می‌گردد. و اگر رویت ممکن نباشد طرق دیگر مطرح می‌شود و لذا می‌توان گفت اصل در اثبات حلول ماه رویت است.

#### بررسی آیه دوم

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا  
الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ  
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (بقره: ۱۸۹)

در عوالمی اللالی العزیزیه در خصوص این آیه آمده است:

و روي: أَنَّ مُعَاذَ بْنَ جَبَلٍ سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْهَلَالِ فَقَالَ مَا  
بِالْهَلَالِ يَبْدُو دَقِيقًا كَالْخَيْطِ ثُمَّ يَزِيدُ حَتَّى يَسْتَوِيَ ثُمَّ لَا يَزَالُ يَنْقُصُ حَتَّى  
يَعُودَ كَمَا بَدَأَ فَتَزَلْ قَوْلُهُ تَعَالَى هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ

معاذ بن جبل درباره هلال ماه از پیامبر ﷺ سوال کرد: وضعیت هلال چگونه است

؟ حضرت در پاسخ فرمودند: ابتدا همچون رشته ای به نظر می‌رسد، سپس زیاد

می‌گردد تا این که کامل شود، آن گاه دائم کم می‌شود تا این که به صورت اولی که

آشکار شده بود، شود و ... (ابن ابی جمهور) ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۸۳)

در بحارالانوار نیز آمده:

قال اميرالمومنين عليه السلام: و جعل دلالة الحج و الصوم القمر لا تعرف هاتان  
الفريضتان الا بالقمر لقول الله تبارك و تعالى يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ  
مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ ... ففرض الحج و الصوم لا يعرف الا بالشهور و  
الشهور لا تعرف الا بالقمر دون الشمس. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵: ۳۹۱)

خداوند ماه را دلیل و راهنمایی برای تعیین وقت حج و روزه قرار داد و زمان این دو واجب با کمک ماه قابل شناسایی است همان طور که در قرآن فرموده است ... پس فريضة حج و روزه شناخته نمی‌شوند مگر به سبب ماه‌ها و ماه‌ها شناخته نمی‌شوند مگر به واسطه رویت ماه بدون خورشید.

در تفسیر این آیه کریمه مرحوم شیخ طوسی می‌نویسد:

فان قيل عما كان وقع السؤال من حالة الالهة ؟ قيل: عن زيادتها ونقصانها ووجه الحكمة في ذلك؟ فاجيب بان مقاديرها يحتاج اليه الناس في صومهم وفطرمهم و حجهم وعدد نسائهم ومحل ديونهم وغير ذلك وفيها دلالة واضحة ان الصوم لا يثبت بالعدد و انه يثبت بالهلال لان العدد لو كان مراعى لما احيل في مواقيت الناس في الحج على ذلك بل احيل على العدد؛ اگر گفته شد که سوال در مورد وضعیت هلال‌ها به چه مفهومی است و حکمت آن چیست؟ پاسخ این است: مقدار آن در روزه و افطار و حج و عده همسران و محل قرض و ... مورد نیاز مردم است، که خود دلیل روشنی بر عدم انحصار اثبات روزه به عدد است. بنابراین با رویت هلال ثابت می‌شود زیرا اگر عدد در نظر گرفته می‌شد اوقات حج مردم را به آن ارجاع نمی‌داد، بلکه صرفاً به عدد اشاره می‌کرد. (طوسی، ۱۴۰۰، ج ۲: ۱۴۱)

علامه حلی با استناد به این آیه می‌نویسد:

و هذا يدل على انه تعالى اعتبر الالهة في تعرف اوقات الحج وغيره مما يعتبر فيه الوقت ... فقد اجمع المسلمون منذ زمن الرسول ﷺ الى زماننا هذا على اعتبار الهلال و الترائي له و التصدي لابصاره؛ و این بیانگر آن است که حق تعالی در تشخیص اوقات حج و سایر اموری که در آن وقت در نظر گرفته شده است، رویت هلال را در نظر داشته است... مسلمانان از زمان رسول خدا ﷺ تا زمان ما بر اعتبار رویت هلال و رعایت رؤیت آن اتفاق و اجماع کرده اند. (حلی، ۱۳۸۷، ج ۹: ۲۲۱)

طبرسی در خصوص این آیه می‌نویسد:

يسئلونك يعني مردم درباره هلال‌ها و زیاد و کم شدن حجم آن می‌پرسند که چه حکمتی در آن است؟

در پاسخ بگو: این حالات مختلف ماه وسیله ای است برای اندازه گیری زمان‌ها که در

نتیجه آن کارهای دینی مانند ماه رمضان و افطار و عده زنان و امور دنیایی بهره برده و حساب نماید .

لذا از این که معیار و ملاک اندازه گیری را هلال و حالات مختلف آن قرار داده فهمیده می شود که تنها دیدن ماه رمضان، ملاک واجب شدن روز و دیدن ماه شوال میزان افطار است و حساب روزها میزان نیست .

راوندی در فقه القرآن می نویسد:

جعل الله الالهة علامات الشهور و دلائل ازمان الفروض و مواقيت للناس في الحج و الصوم؛ خداوند ماه نور را نشانه ماه‌ها و راهنمای اوقات نماز و اوقات حج و روزه مردم قرار داد. (راوندی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۳۱۳)

در اقبال الاعمال به نقل از ابن ابی رمثه روایتی از امام حسن الزکی العسکری علیه السلام نقل شده

است که صراحتاً یقین به حلول ماه نور را به مساله هلال ماه مستند فرموده اند:

دَخَلْتُ عَلَى الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ (عليه السلام) فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ النَّاسُ بَيْنَ مُتَيَقِّنٍ وَ شَاكٍّ فَلَمَّا بَصُرَ بِي قَالَ لِي يَا أَبَا إِبْرَاهِيمَ! فِي أَيِّ الْحَرْيَيْنِ أَنْتَ فِي يَوْمِكَ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا سَيِّدِي! إِنِّي فِي هَذَا قَصَدْتُ. قَالَ: فَإِنِّي أُعْطِيكَ أَضْلاً إِذَا صَبَّطْتَهُ لَمْ تَشْكَ بَعْدَ هَذَا أَبَداً. قُلْتُ: يَا مَوْلَايَ! مَنْ عَلَيَّ بِذَلِكَ. فَقَالَ: تَعْرِفُ أَيُّ يَوْمٍ يَدْخُلُ الْمُحَرَّمُ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ كُنَيْتَ طَلَبَ هِلَالِ شَهْرِ رَمَضَانَ قُلْتُ وَ كَيْفَ يُجْزَى مَعْرِفَهُ هِلَالِ مُحَرَّمٍ عَنْ طَلَبِ هِلَالِ شَهْرِ رَمَضَانَ. قَالَ: وَيَحْكُ إِنَّهُ يَدُلُّكَ عَلَيْهِ فَتَسْتَغْنِي عَنْ ذَلِكَ. قُلْتُ: بَيْنَ لِي يَا سَيِّدِي كَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: فَانْتَظِرْ أَيُّ يَوْمٍ يَدْخُلُ الْمُحَرَّمُ فَإِنْ كَانَ أَوَّلُهُ الْأَحَدَ فَخُذْ وَاحِداً وَ إِنْ كَانَ أَوَّلُهُ الْإِثْنَيْنِ فَخُذْ اثْنَيْنِ وَ إِنْ كَانَ الثَّلَاثَاءِ فَخُذْ ثَلَاثَةً وَ إِنْ كَانَ الْأَرْبَعَاءِ فَخُذْ أَرْبَعَةً وَ إِنْ كَانَ الْخَمِيسَ فَخُذْ خَمْسَةً وَ إِنْ كَانَ الْجُمُعَةَ فَخُذْ سِتَّةً وَ إِنْ كَانَ السَّبْتَ فَخُذْ سَبْعَةً ثُمَّ احْفَظْ مَا يَكُونُ وَ رَدِّ عَلَيْهِ عَدَدَ أَيَّامِكَ وَ هِيَ اثْنَا عَشَرَ ثُمَّ اطْرَحْ مِمَّا مَعَكَ سَبْعَةً سَبْعَةً فَمَا بَقِيَ مِمَّا لَا يُنْتَبِهُ سَبْعَةً فَانْتَظِرْ كَمْ هُوَ فَإِنْ كَانَ سَبْعَةً فَالصَّوْمُ السَّبْتُ وَ إِنْ كَانَ السَّبْتُ فَالصَّوْمُ الْجُمُعَةُ وَ إِنْ كَانَ خَمْسَةً فَالصَّوْمُ الْخَمِيسَ وَ إِنْ كَانَ أَرْبَعاً

فَالصَّوْمُ الْأَرْبَعَاءُ وَإِنْ كَانَ ثَلَاثَةً فَالصَّوْمُ الثَّلَاثَاءُ وَإِنْ كَانَ اثْنَيْنِ فَالصَّوْمُ يَوْمَ  
الْاِثْنَيْنِ وَإِنْ كَانَ وَاحِدًا فَالصَّوْمُ يَوْمَ الْأَحَدِ وَعَلَى هَذَا فَابْنِ حِسَابِكَ تُصِبُهُ  
مُؤَافَقًا لِلْحَقِّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. (ابن طاووس، ۱۴۱۴ق، ج: ۱، ۵۶)

در اولین روز ماه رمضان که مردم، در شک و یقین، به سر می‌بردند [که آیا اول ماه  
نوشده یا نه]، نزد امام حسن عسکری علیه السلام رفتم. چون نگاه حضرت به من افتاد،  
فرمود: «آیا دوست داری که قاعده‌ای به تو بگویم تا به وسیله‌ی آن، فرارسیدن ماه  
رمضان را تشخیص دهی و در آن شک نکنی؟» عرض کردم: «آری ای مولای من!  
با گفتن آن، بر من منت بگذارید». حضرت فرمود: «ابتدا باید اول ماه محرم را  
بدانی. پس اگر بدانی که اولین روز ماه محرم، چه روزی است، دیگر در تشخیص  
اولین روز ماه رمضان شک نمی‌کنی». عرض کردم: «چگونه تشخیص هلال ماه  
محرم، مرا از تشخیص هلال ماه رمضان، بی‌نیاز می‌سازد؟» حضرت پاسخ داد:  
«تشخیص هلال ماه محرم تو را به تشخیص هلال ماه رمضان، رهنمون می‌سازد و  
بدین وسیله، دیگر نیازی به تشخیص هلال ماه رمضان نداری». عرض کردم:  
«مولای من! کیفیت این قاعده را برایم شرح دهید». حضرت فرمود: «ابتدا اولین  
روز ماه محرم را در نظر می‌گیری؛ اگر اولین روز محرم، یکشنبه بود، عدد یک و  
اگر دوشنبه بود، عدد دو و اگر سه‌شنبه بود، عدد سه و اگر چهارشنبه بود، عدد چهار  
و اگر پنجشنبه بود، عدد پنج و اگر جمعه بود، عدد شش و اگر شنبه بود، عدد هفت  
را در نظر بگیر و به خاطر بسپار و [آن را] به عدد ائمه (علیهم السلام) که دوازده  
است، بیفزای؛ سپس هر عددی که به دست آمد را هفت تا هفت تا کم کن و ببین که  
چه عددی باقی می‌ماند. اگر عدد هفت به دست آمد، اولین روز ماه رمضان، شنبه  
و اگر عدد شش به دست آمد، اولین روز ماه رمضان، جمعه و اگر عدد پنج به دست  
آمد، اولین روز ماه رمضان، پنجشنبه و اگر عدد چهار به دست آمد، اولین روز ماه  
رمضان، چهارشنبه و اگر عدد سه به دست آمد، اولین روز ماه رمضان، سه‌شنبه و  
اگر عدد دو به دست آمد، اولین روز ماه رمضان دوشنبه و اگر عدد یک به دست  
آمد، اولین روز ماه رمضان یکشنبه است. پس این‌گونه حساب می‌کنی و  
ان شاء الله، آن صحیح خواهد بود.

در تفسیر البحر المحيط در ذیل این آیه آمده است :

این آیه در پاسخ به سؤال برخی از مسلمانان از حضرت پیامبر ﷺ در مورد هلال، نازل شد که پرسیدن: کامل بودن و محاق بودن آن با وضعیت خورشید چه فایده ای دارد؟ و ظاهراً سؤال کنندگان معاذ بن جبل و ثعلبه بن غانم انصاری بودن و ربط این آیه به آنچه قبل از آن بود روشن است و آن این است که آیات قبل از آن در مورد روزه نازل شده است و اینکه روزه ماه رمضان با رویت ماه نو و همچنین افطار در ماه شوال همراه است؛ نزلت علی سؤال قوم من المسلمین النبی ﷺ عن الهلال و ما فائدة محاقه و کماله و مخالفته لحال الشمس؟ و روی ان من سال هم معاذ بن جبل و ثعلبة بن غنم الانصاری ... و مناسبة هذه الاية لما قبلها ظاهرة و هو ان ما قبلها من الايات نزلت في الصيام و ان صيام رمضان معذوق (مقرون) بروية الهلال و كذلك الافطار في شهر شوال. (ابن حیان، ۱۴۳۶ق، ج: ۳، ۴۱۶)

زمخشری از علمای اهل سنت می‌نویسد:

مواقیت: معالم یوقت بها الناس مزارعهم و متاجرهم و محال دیونهم و صومهم و فطرهم و عدد نساآئهم و ایام حیضهن و ... (زمخشری، ۱۳۹۱، ج: ۱، ۲۹۰)، مواقیت نشانه‌های وقت است که مردم کار در کشتزاران، تجارت در بازار، سرآمد دیوان و گرفتن روزه و گشودن آن، عده زنان، روزهای قاعدگی آنان، زمان بارداری آن‌ها و ... را با آن می‌سجند و مدیریت می‌کنند .

فخر رازی نیز از دیگر علمای اهل سنت می‌نویسد:

اهلة جمع هلال و هو اول حال القمر حين يراه الناس و الهلال میقات الشهر و مواضع الاحرام مواقیت الحج، این است که اهله جمع هلال است و آن اول حال قمر است که مردم آن را می‌بینند... و هلال میقات ماه است و مواضع احرام، مواقیت حج است زیرا آنان مواضعی هستند که بدان منتهی می‌شوند (فخر رازی، ۱۳۷۹، حلبی، ج: ۵، ۲۲۱۵)

مولف روائع البیان می‌نویسد:

با رویت هلال وقت روزه و حج دانسته می‌شود، چنانکه خداوند متعال فرمود: «از تو درباره هلال می‌پرسند...» پس باید به رؤیت تکیه کرد؛ فبواسطة الهلال تعرف

اوقات الصیام و الحج كما قال تعالى یسئلونک عن الالهة ... فلا بد من الاعتماد

على الروية (صابونی بی تا، ج: ۱: ۱۶۳)

بنابراین با توجه به نظرات فوق، مشخص می‌شود، برای تشخیص حلول ماه نو باید به هلال ماه توجه داشت و رویت هلال ماه، ملاک مواقیت عبادی و معاملاتی است و علمای مذاهب با استناد به آیه اهله این معیار را استنباط و تعیین نموده اند.

### نتیجه

با تأمل در آیات فوق الذکر و نظرات علمای مذاهب اسلامی و امعان نظر در متون فقه مقارن و ... به خوبی می‌توان نتیجه گرفت، مهم ترین راه اثبات حلول ماه نو، رویت هلال و اصلی ترین مرجع آن قرآن کریم می‌باشد و این حجیت از قرآن کریم قابل اثبات و استنباط است و بسیاری از مفسرین و فقهای مذاهب به آن استناد نموده اند.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

- آملی، محمد تقی، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی،، مؤسسة التاریخ العربی، اول، بیروت، ۱۴۳۲ق
- آل احمد، سید جلال، خسی در میقات، انتشارات مجید، ایران، هفتم، ۱۳۸۲
- آلوسی بغدادی، محمود، روح المعانی، دارالفکر، اول، بیروت، ۱۴۱۷ق
- ابن ابی جمهور احسانی، محمد بن علی، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، سیدالشهداء (علیه السلام)، اول، ایران، ۱۴۰۳ق
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دار احیاء التراث العربی، اول، بیروت، ۱۴۱۷ق
- ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی، اقبال الاعمال، مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ایران، ۱۴۱۴ق
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی خزاعی نیشابوری، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، آستان قدس رضوی، اول، ایران، ۱۳۷۰
- ابن حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط، الرسالة العالمية، اول، بیروت، ۱۴۳۶
- ابن عربی، ابی بکر محمد بن عبدالله، احکام القرآن، دارالفکر، بی تا، بیروت
- ابن عبد البر النمری، الاستذکار، المكتبة العصرية، اول، بیروت، ۱۴۳۳ق
- حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، دوم، ایران، ۱۳۸۷
- جصاص، ابی بکر بن علی الرازی، احکام القرآن، دارالمصنف، بی تا، مصر
- راوندی، قطب الدین ابی الحسن سعید بن هبة الله، منشورات امامت اهل البيت ع، اول، ایران، ۱۳۹۴
- رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (امنار)، دارالفکر، بی تا، بیروت
- زمخشری، محمد، الکشاف، مسعود انصاری، ققنوس، دوم، ایران، ۱۳۹۱
- سبزواری، سید عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، مؤسسة المنار، دوم، ایران، ۱۴۱۸ق
- سیوری، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، المجمع العالمی للتقريب بین المذاهب

الاسلامیة، دوم، ایران، ۱۴۳۱ق

صابونی، محمد علی، روائع البیان تفسیر آیات الاحکام من القرآن، دارالفکر، بی تا، بیروت  
طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن،، مؤسسة التاریخ العربی، اول،

بیروت، ۱۴۱۲ق

طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ایران، ۱۴۰۹ق

فخر رازی، محمد، تفسیر کبیر، علی اصغر حلبی، اساطیر، اول، ایران، ۱۳۷۹

قربانی، زین العابدین، تفسیر جامع آیات الاحکام، نشر سایه، دوم، ایران، ۱۳۸۴

قرطبی، محمد بن احمد، الجامع الاحکام القرآن، دار احیاء التراث، اول، بیروت، ۱۴۱۶ق  
کاسانی حنفی، ابی بکر بن سعود، بدائع الصنائع فی ترتیب الشریع، دار احیاء التراث،

اول، بیروت، ۱۴۳۱

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، دار احیاء التراث

العربی، دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق

مدنی، سید علی صدر الدین بن معصوم، انوار الربیع فی انواع البدیع، مؤسسة التاریخ

العربی، اول، بیروت، ۱۴۳۲ق

موسوعة اصول الفقه المقارن، مرکز الدراسات العلمیة، اول، ایران، ۱۴۳۰

نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، موسسه آل البيت لاحیاء

التراث، اول، بیروت، ۱۴۲۹ق

